

با طعم سیاستِ یواشکی

(جلد اول)

دکتر علی دهنی

دانشگاه شهید بهشتی



اتکات اسرار

سرشناسه	:	معنوی، علی، ۱۳۲۵ -
عنوان و نام پدیدآور	:	با طعم سیاست یواشکی/ علی معنوی.
مشخصات نشر	:	تهران: الماس دانش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	:	۲۶۰ ص. + ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۱۸۹-۱۸۲-۳
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
موضوع	:	انحراف اجتماعی -- ایران
موضوع	:	Iran -- Deviant behavior
موضوع	:	راه و رسم زندگی
موضوع	:	Conduct of life
موضوع	:	اسلام و دولت -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	:	Iran -- History -- Islam and state -- ۲۰th century
موضوع	:	ایران -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Iran -- Social conditions -- ۲۰th century
رده بندی کنگره	:	۷۹۳۱ ۲۶م/۲/-HV/۳۸۵
رده بندی دیویی	:	۰۹۵۱ (۲۶)
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۴۱۰۰۲۶

با طعم سیاست یواشکی

مؤلف: دکتر علی معنوی

ناشر: الماس دانش

مجله: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۸

قیمت: ۳۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۸۹-۱۸۲-۳

آدرس: میدان انقلاب خیابان رشتچی بن بست

یکم پلاک ۴ واحد ۳ تلفن: ۶۶۱۲۵۶۹۴

فهرست

۹	 به بهانه‌ی یک آغاز
۱۱	 چلمی‌های روزگار ما
۱۵	 مشکل فکرهای بسته
۱۷	 خودم معوال‌های تاریخی ما ایرانیان
۱۹	 حکایت اهل تئیز و تشخیص و تنفیذ
۲۱	 در این جا، در آن
۲۵	 عادت‌وارهای برخی از ایرانیان
۲۸	 نه عروسک باش نه عروسک گردان
۲۸	 فقط خودت باش
۳۰	 استاندارد یک آدم سیاسی
۳۲	 اگر «این» نیست، پس چیست؟
۳۴	 اگر نمی‌خواهی اخراج شوی، باید بخندی
۳۶	 استرس سودمند
۳۸	 الکی‌ها و کشکی‌های سیاسی
۴۰	 الهه‌ی باد
۴۲	 اقلیت و اکثریت
۴۴	 مارماهی‌های سیاسی
۴۶	 آب درنمیاد نون که درمیاد

- ۴۸..... امر واقع و امر بازنمایی شده
- ۵۱..... آخرِ آخرش چی می‌شه؟!
- ۵۳..... آدم‌های پفک‌نمکی
- ۵۵..... آب از سرچشمه گل‌آلود است
- ۵۷..... آب سیاسی‌مان از یک جوی
- ۵۹..... دایره‌نخن/آس‌بیار
- ۶۱..... از بیخ عرب بودند
- ۶۴..... دیپلماسی با آب تمام درست گرفتن
- ۶۶..... ما باج سیل نمی‌دهیم مگر سس چه سیلی باشه
- ۶۸..... به مشروطه‌اش رسید
- ۷۰..... آن پادشاه و این وزیر جنگ
- ۷۳..... آن حکیم
- ۷۶..... دیالوگ‌های ناممکن
- ۸۲..... زندگی در زیر سایه‌ی عادت
- ۸۴..... بالایی‌ها و پایینی‌ها
- ۸۷..... خود شکن، آئینه شکستن خطاست
- ۸۹..... بازگشت به دوران طبعی
- ۹۲..... همان انسان بودن کافی است
- ۹۶..... بنده نیایم، بنده‌زاده می‌آید
- ۹۸..... احساس بالاتر از دلیل است

- ۱۰۰..... اخلاق از شما، قدرت از من
- ۱۰۴..... به اندازه خودت برای تو اندازه می گیریم
- ۱۰۶..... سرمایه های حیثیتی انسان ها را بر باد ندهیم
- ۱۱۰..... بهشت و بهشتیان
- ۱۱۳..... پایان مردم و مردانگی
- ۱۱۶..... تاثیر شر سیاه است
- ۱۱۸..... تاریخ موضوع قرائت است اما نه هر قرائتی
- ۱۲۱..... تپل زیباست، اما.....
- ۱۲۳..... تدبیر از رهگذر تکذیب.....
- ۱۲۶..... تریلیونرها و واهمه انقلاب.....
- ۱۲۸..... پوکمون گوی ایرانی.....
- ۱۳۳..... تجاری کردن مذهب.....
- ۱۳۵..... ترس و رفتار.....
- ۱۳۷..... ترور نگاه ها.....
- ۱۳۹..... درست، جامع، شفاف.....
- ۱۴۴..... ترهات درمانی.....
- ۱۴۷..... تصحیح سیاسی.....
- ۱۵۰..... تماشا می شویم.....
- ۱۵۲..... تناقض زیبا.....
- ۱۵۴..... توطئه های پیچیده، توطئه های ساده لوحانه.....

- ۱۵۸.....تهاجمی، منفعل، قاطع
- ۱۶۱.....تیغ مدرن به دست زنگی سستی
- ۱۶۴.....جای دشمن کجاست؟
- ۱۶۹.....جزئی از ... بودن
- ۱۷۱.....جستلن سیاسی
- ۱۷۴.....جنگ همه علیه همه
- ۱۷۸.....تنبل‌خانه‌ی شاه‌عالی
- ۱۸۲.....چطور مردم می‌رانند چرمایی را باور کنند که می‌دانند واقعیت ندارد؟
- ۱۸۶.....چگونه ابزار ابزارمان شده‌ام؟
- ۱۹۱.....چون به هر فکری که دل سواهی سپرد
- ۱۹۵.....چهره شهرم
- ۱۹۸.....چهره‌ی جدید فقر و فقیر
- ۲۰۰.....چیزی در حال تغییر است
- ۲۰۳.....حقوق این و حقوق آن
- ۲۰۵.....حقوق بشر پولکی

به بهانه‌ی یک آغاز

۱. بزرگی می‌گوید: زمانی که قدرت مشروعیت، خود را به وانمودی از حقیقت گره می‌زند، آن‌گاه بازنمود معکوس آن‌چه وانمود می‌شود معنایی ندارد جز تقابل با این اراده‌ی قدرت. این تضادی است که در زمینه‌ی سیاست حقیقت روی می‌دهد. بسیاری از مردمان جهان به‌نحوی دل در گرو این سیاست حقیقت سپرده‌اند و همراه با تلاش مجدانه قدرت‌های حاکم برای رانمود. ویژه‌ای از حقیقت، هر فردی حتی بدون تعلق به یک کنش جمعی و جنبشی، به‌نحوی مسئولیت مقابله با این وانمود از حقیقت و اجرای حقیقت معکوس را بر دوش گرفته است. چالش به فرد در این اجراگری ایجاد می‌کند تلاش قدرت برای بازنمود اراده‌ی خود در سطح ملی یا جهانی را خشتی می‌سازد. بنابراین، اعم از این‌که فرد کنش‌گر سیاسی باشد یا نه، کنش او معنای سیاسی پیدا می‌کند. در بادی امر کنش اشخاص تنها به جهت «اجرا» معنای سیاسی دارند. به نظر می‌رسد که این می‌تواند به معنای وجود یک «قصد» سیاسی خاص نباشد. چه بسا ما چیز را به اجرا درآوریم که در زمینه‌ی اجتماعی خاصی معنایی را القاء کند، اما در «قصد» و «آگاهی» ما نبوده باشد. اما آن‌چه این اجراهای پراکنده را مبدل به یک کنش قصدشده می‌سازد وجود فضایی است که کنش‌های ناجنبش پیشین را به یک صحنه‌ی معارضة عمومی می‌کشد. این صحنه معارضة عمومی از این جهت «فضایی» است که سیاست «ناجنبشی» را تجلی می‌بخشد. جایی که «هنر حضور» تحقق آنتاگونیستی خود را نشان می‌دهد.

۲. بی‌تردید، زمانی که قدرت مشروعیت خود را به وانمودی از صداقت تبدیل و حضور پررنگ خود گره می‌زند، آن‌گاه بازنمود معکوس آن‌چه وانمود می‌شود معنایی ندارد جز تقابل با این اراده‌ی قدرت. در این حالت، سکوت و غیبت و در سایه، خفا و یواشکی رفتن و گفتن و کردن و نوشتن می‌تواند همان کنش معکوس بن‌فکنی باشد که قدرت را با چالشی جدی مواجه می‌کند. در تاملی گذرا بر تاریخ دیرینه‌ی این مرز و بوم، به علل و عوامل ایجاد و رشد استعداد از بیخ چیزی شدن ایرانیان پی می‌بریم، و درمی‌یابیم که ایرانیان گاه در پرتو آموزه‌هایی هم‌چون: «احتیاط شرط عقل است»، «حذر کار مردان کار آگاه است»، «پیش دیوار

آنچه گویی هوش دار، تا نباشد در پس دیوار گوش»، «هر کجا باد باشد شمع را پنهان می‌برند»، «آدم باید کاری بکند که پرش به پر خلق الله نگیرد»، «سرت به آخور خودت باشد»، و گاه دیگر، با توصیه خود و دیگران به صبر و خویشتن‌داری و مماشات و چند چهره‌گی: «کلید همه کارها صبر است»، «شجاعت آدمی صبر است»، «خویشتن‌دار باش و بی‌پرخاش»، «هر که را صبر نیست حکمت نیست»، «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازم»، «به صبر از بند گردد مرد سته»، «صبر مفتاح کارهاست»، «صبر نما تا که به جایی برسی»، «جهان را نیست کاری جز وادگی»، «جوفروشی و گندم‌نمایی»، «پشت و رو معلوم نبودن»، «خوش‌ظاهری و بدباطنی»، «پیش رو خاله پشت سر چاله»، «پشت سر شاه به پدر شاه»، «از بام خواندن و در راندن»، «با پاس زدن و با دست پیش کشیدن»، «دو دستماله رقصیدن»، «دو دوزه بازی کردن»، «یک بام و در هفتاد»، «هم از تور گرفتن و هم از قلاب»، «هم از توبره خوردن و هم از آخور»، «هم اسب شتر را هل کردن، هم مشک حضرت عباس را دوختن»، «روی در دو محراب داشتن»، «هم طباطبائی زدن، هم علمدار حسین بودن»، «هم آتش معاویه را خوردن و هم پشت سر علی نماز خواندن»، «مثلاً پیاز هزار تا تو داشتن و دو هزار تا رو»، «همچون شتر مرغ به اقتضا شتر و مرغ بودن»، «چو دستی نتانی گزیدن بیوس، که با غالیان چاره زرق است و لوس»، «از روی ناعلاجی به ناعلاجی خانباجی»، «از ناچاری برای مصلحت بوسه به دم خر زدن»، «روح شدن ار به جسم رسیدن، نور شدن ار به چراغی رسیدن، مزه شدن ار به مذاقی رسیدن، زره شدن گر به مقامی رسیدن، دمه شدن ار به دماغی رسیدن، باد شدن ار به چراغی رسیدن»، تن به از بیخ چیزی شدن می‌داند و این نوع تبدیل و تبدل و تحول حال و احوال خود را به نام نوعی سیاست و مقاومت با به یکدیگر می‌فروختند. آن‌چه در این مجموعه مطالب پراکنده می‌خوانید نوعی سیاست یواشکی است که یواشکی و پاورچین و پاورچین از کنار از بیخ چیزی شدن عبور کرده و مسیر را برای هر نوع سیاست یواشکی دیگر هموار کرده است. با تند و تیز و سخت که نتوانستیم بر مشکلات تاریخی خود فائق بیاییم، شاید زمان آن است که یواشکی به یواشکی‌ها دخیل ببندیم.